

نگرشی بر تحول لباس رسمی کارکنان دولت در دوره ناصرالدین شاه قاجار و رضاشاه پهلوی فریبا مهرمند^۱، علی اکبر خدیری زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲

چکیده

گسترش روابط ایران و غرب یکی از ویژگی‌های بارز دو دوره قاجار و پهلوی بود که به آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب منجر گردید و همین امر سبب شد تا به تغییرات اجتماعی نسبتاً وسیع، از جمله تغییر پوشاک برخی از اقشار جامعه و به خصوص لباس رسمی کارکنان دولت گردد. بر این مبنا هدف اصلی مقاله، بررسی تحولات انجام شده بر لباس رسمی کارکنان دولت دوره ناصرالدین شاه و دوره رضاشاه است. حال این سؤال پیش می‌آید که چه تفاوتی میان طرح و نحوه اجرای لباس کارکنان دولت در دوره ناصرالدین شاه با دوره رضاشاه بوده است؟ فرضیه مقاله بر آن است با تلاش‌هایی که از سوی شاه قاجار و پهلوی اول در جهت تغییر پوشش انجام دادند لباس رسمی کارکنان دولت هم از نظر رتبه، جایگاه، ارتباطات اجتماعی و هم از نظر طرح و نحوه اجرای آن متحول شد. با این اوصاف روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر توصیف و تطبیق داده‌های تاریخی است و نتایج حاصل از این پژوهش دلالت بر فرآیند تأثیر غرب‌گرایی بر لباس کارکنان اداری دوره ناصرالدین شاه و تشدید نوگرایی بر تحول لباس پرسنل دولتی با روش اقتدارگرایانه رضاشاه دارد.

کلمات کلیدی: ناصرالدین شاه، رضاشاه، غرب‌گرایی، لباس رسمی کارکنان دولت.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ (ایران دوره اسلامی)، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول) pary.mand@yahoo.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

khedrizedeh@yahoo.com

مقدمه

چنانچه پوشش را یک عمل اجتماعی و معنادار فرض کنیم، نه صرفاً شیوه‌ای برای محافظت از بدن، باید آن را در قالب‌های تحلیلی معطوف به معنای اجتماعی، تفسیر نماییم و در پی آن توجه به «قاعده‌مند» بودن پوشش با ویژگی نمادین و قراردادی آن، می‌تواند به هدف‌گیری صحیح سیاست‌گذاری فرهنگی کمک کند (جوادی‌یگانه و کشفی، ۱۳۸۶: ۶۲)؛ و از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین تغییرات فرهنگی که سبب شد تا به تدریج مردم سلیقه‌های جدیدی را تجربه کنند سبک لباس پوشیدن با رشد جمعیت، شیوه زندگی و نوع فعالیت افراد بود.

بنابراین آنچه که در بین پژوهشگران، قابل بحث و تبادل نظر می‌باشد، مربوط به پیشینه شیفتگی به مظاهر فرهنگی در ایران بود که می‌توان علت آن را در گسترش لباس اروپایی در سراسر جهان، در سده‌ی نوزدهم و اوایل سده‌ی بیستم یافت که آن را تا حد زیادی ناشی از قدرت اقتصادی و سیاسی اروپا دانست (محمدی و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۷: ۱۸۹)؛ این رقابت فرهنگی غربی به تدریج در ایران نیز تحولاتی در ساختار اجتماعی به وجود آورد (بشیری، ۱۳۸۷: ۱۳۵). چنانچه در آغاز یکی از شاخصه‌های عصر قاجار چالش میان ایران و غرب و سپس ورود تجدد به ایران با ایجاد تحولات اجتماعی از جمله تغییر در پوشش برخی از اقشار جامعه همراه شد؛ بنابراین می‌توان گفت که در این دوره (قاجار) سه عامل در تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران نقش داشت، که عبارت بودند از:

۱. تلاش کشورهای اروپایی برای گسترش نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود در ایران.
۲. احساس ضعف، خود کم‌بینی، فقر و عقب‌افتادگی ایرانیان در برابر غرب؛ به عبارت دیگر، اغلب ایرانیان به این باور رسیده بودند که باید خود و فرهنگشان را اروپایی کنند تا شاید زودتر از وضعیت فقر و بدبختی رهایی یابند (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۹).
۳. گسترش روابط ایران با کشورهای اروپایی از طریق مأموریت‌های دیپلماتیک و اعزام سفیر، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، سفر درباریان و افراد متمول جامعه به کشورهای اروپایی.

در این بین یکی از پیامدهای ورود تجدد به ایران، ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی به ویژه تغییر لباس بود. البته تغییر لباس ابتدا از دربار قاجار شروع شد و سپس به سایر اقشار جامعه از جمله کارکنان دولت نیز کشیده شد. اگرچه در نیمه‌ی نخست دوره‌ی قاجار، کارکنان دولت فاقد لباس رسمی متحدالشکل بودند لیکن از اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه به بعد به تدریج تغییراتی در پوشاک کارکنان دولت با ترکیب‌بندی اجزا لباس و نحوه‌ی برش و دوخت دگرگونی

هایی صورت پذیرفت. با این وجود تا پایان دوره‌ی قاجار تلاش جدی برای تداوم این کار صورت نگرفت تا آن‌که در دوره‌ی رضاشاه، بار دیگر موضوع ایجاد لباس متحدالشکل جهت کارکنان دولت مورد توجه قرار گرفت. تلاش برای ایجاد لباس رسمی کارکنان دولت در دوره‌ی رضاشاه و مسئله متحدالشکل کردن لباس جامعه به گونه‌ای بود که طرفداران شاه، این موضوع را در مجلس و مطبوعات و محافل مطرح کردند و آن را «یکی از مبادی بزرگ اصلاحات» دانستند (قاسم‌پور، ۱۳۸۴: ۴۹)؛ به عبارت دیگر، اعمال نظام‌نامه پوشاک متحدالشکل یکی از کنش‌های سیاسی به شدت رادیکال دولت پهلوی بود که جامعه را دستخوش تغییر ریختاری سریع و جبری کرد. فرآیند اعمال لباس متحدالشکل به سرعت در نظام ارتش، پادگان‌ها و سپس نهادهای نوینی نظیر مدارس، بیمارستان‌ها، کارخانجات و ادارات دوران پهلوی اجرا شد و در ظرف چند سال ریختی همسان، منضبط و مدرن به کل کشور داد و لباس متحدالشکل رابطه‌ای انضباطی میان فرد و ساختار سیاسی به وجود آورد (منظر محمدی، ۱۳۹۶: ۹۹). با این تفصیل مقاله‌ی حاضر تلاش دارد تا به دو سؤال اساسی پاسخ دهد:

۱. گسترش روابط ایران و غرب چه تأثیری بر تحول پوشاک کارکنان دولت در دوره ناصرالدین‌شاه داشت؟

۲. و تغییر لباس رسمی کارکنان دولت در دوره رضاشاه به چه نحوی انجام گرفت؟

بر این اساس روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش به شیوه تاریخی و مبتنی بر توصیف و تطبیق داده‌های تاریخی است که برای رسیدن به نتیجه مطلوب با توجه به ماهیت موضوع، تلاش بر آن بوده تا ضمن بررسی علل تأثیرپذیری ایرانیان از پوشش غربی‌ها، به تفاوت روش اجرای ایجاد تحول بر لباس کارکنان دولت با توجه به فضای حاکم بر دو دوره ناصرالدین‌شاه و رضاشاه، پرداخته شود. به همین منظور پس از مطالعه و گردآوری مطالب و اطلاعات کتابخانه‌ای، اسناد، عکس‌ها، روزنامه‌ها، سایت‌های مرتبط و موزه؛ داده‌های تاریخی با نگرش تطبیقی مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

اگرچه تاکنون پژوهش مستقلی در مورد چگونگی تغییر و تحول پوشاک کارکنان دولت در دوره ناصرالدین‌شاه و رضاشاه صورت نگرفته است با این وجود تحقیقات گوناگونی در مورد سیر تحول پوشاک ایران در دوره قاجار و پهلوی انجام شده که به لحاظ پیشینه‌ی تحقیق حائز اهمیت بسیار می‌باشد. از جمله کتاب «پوشاک در ایران زمین» از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا که به همت جمعی از نویسندگان ایرانی و خارجی نوشته شده است. در فصل دهم این کتاب، احیای

صنعت ابریشم، نوع پوشش زنان و مردان در آغاز دوره قاجار و تغییرات پوشاک را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا که سبب تحول در البسه رایج در دربار عصر قاجار گردید، می‌پردازد؛ کتاب دیگر «دگرگونی رنگ، طرح و تزیین پوشاک ایرانیان (از ابتدا تا پایان روزگار قاجار)»، اثر مشترک طاهره عظیم‌زاده طهرانی و فرزانه سعادت‌فر است که مؤلفان مطالبی ارزشمند از تاریخچه و اجزاء لباس دوره قاجار در کنار تزیینات پارچه ارائه داده‌اند؛ و یا مقاله «نساجی در عصر قاجار: تولید و تجارت پارچه» نوشته‌ی فریده طالب پور. این مقاله ابتدا به انقلاب صنعتی اروپا و ورود انواع پارچه‌های خارجی به بازار ایران می‌پردازد و سپس علت رکود صنایع داخلی را افزایش صادرات پارچه‌های اروپائی به ایران را معرفی می‌کند. همچنین پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رؤیا ظریفیان صالح مکرم با عنوان «بررسی سیر تحول پوشاک در ایران از دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی» بسترهای زمینه‌ساز تحول پوشاک عصر قاجار و پهلوی، تکه‌های لباس دوره قاجار و غربی سازی لباس در دوره پهلوی و ورود مد به ایران را به شیوه توصیفی و تحلیلی بررسی کرده است. در مجموع در تحقیقاتی که در مورد پوشاک دوره ناصرالدین‌شاه و رضاشاه صورت گرفته است، صرفاً به سیر تحول البسه در طبقات مختلف جامعه پرداخته شده است لیکن به موضوع چگونگی تغییر لباس کارکنان دولت در دوره ناصرالدین‌شاه و رضاشاه توجه چندانی معطوف نشده است.

نگاهی به پوشاک جامعه شهری ایران در دوره قاجار و پهلوی اول

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی شهری در اوایل دوره قاجار دارای جهات مشترک بود، بدین معنی که رئیس هر خانواده به نسبت بضاعت و سرمایه‌ی خود خانه‌ی شخصی داشت و خود و فرزندانش همگی در آن خانه زندگی می‌کردند و فقط عده‌ی بسیار معدودی از سکنه‌ی شهرها خانه ملکی نداشتند. مشاغل در میان خانواده‌های هر صنف و گروه تقریباً ارثی بود، علاوه بر مشخص بودن شغل و حرفه، شیوه‌ی زندگی و آرایش خانه و وضع لباس اصناف و گروه‌ها نیز از یکدیگر متمایز بود. مثلاً بازرگانان عمامه‌ی شیر شکری یا مندیل^۱ و یا کلاه‌پوست بخارایی به سر می‌گذاشتند و قبا و لباده‌ی بلند و عبای نایینی اعلا می‌پوشیدند و با طمأنینه راه می‌رفتند.

^۱ مندیل دستار، دستارچه که بر میان بندند، پارچه ندوخته. (عمامه که از پارچه نخی یا ابریشمی لطیف راه‌راه با رنگ‌های گوناگون درست شده است و چندین بار به دور سر پیچیده می‌شود و چین‌های آن را خیلی نرم کوک می‌زنند یا با یک نخ گلابتون کوک دوزی می‌کنند) (کمپانی، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۲۸).

خانه‌های وسیع و بزرگ داشتند و اتاق پذیرایی خود را با مسند و پشتی‌های ساخته‌شده از قالیچه‌های زیبا و نفیس می‌آراستند (شمیم، ۱۳۸۷: ۳۵۹-۳۶۰). از دیگر مشاغلی که در دستگاه حکومتی زیر نظر و رأی شاه اداره می‌شد و در دربار و جامعه در رفت‌وآمد بودند کارکنان حکومتی بودند که برای نشان دادن شأن و منزلت خود لباس آنان با دیگر مشاغل تفاوت داشت گاهی نوع کلاه، جنس و رنگ لباس، گاه تزیینات به کار رفته بر روی جامه‌اشان با انواع سوزندوی، سرمه‌دوزی، قیطان‌دوزی، یراق‌دوزی از رده و پست صحبت می‌کرد. در هر حال پوشش و شکل ظاهری آنان در درجه اول تمایزی بین این قشر با دیگر مشاغل ایجاد کرد تا اینکه گذشت زمان و تغییرات ساختاری نظام حکومتی شاه و درباریان سبب شد تا البسه کارکنان نیز متحول گردد.

از اواسط دوره‌ی قاجار، راه تحول دوره‌ی پوشاک تدریجاً همواری را طی می‌کرد و قبا‌های بلند زبری که دامن آن تا به پشت پا بود کوتاه شده و تا به‌زانو رسید؛ و در محل کمر، چین‌دار شده به کمر چین مشهور گردید (ضیاء‌پور، ۱۳۴۹: ۴۰۶) با زینت‌های یراق‌دوزی و نقره‌دوزی و سوزن‌دوزی همچون سابق ادامه یافت. از گشادی شلوارها اندکی کاسته و راسته شد. کلاه‌های پوستی نیز، جای خود را به انواع دیگری داد. سرعت این تحولات در شلوار و کلاه، بیشتر از پیراهن و قبا، به چشم می‌خورد.

همچنان که به دنبال یافتن علل دگرگونی پوشاک ایرانیان هستیم می‌توان گفت یکی از عوامل؛ تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در دوره قاجار، آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غربی بود که بیشترین منبع الهام برای تغییر لباس ایرانیان با حرکتی آرام، از نظر مدل برداری و دنباله‌روی از غرب به شمار می‌آمد. به‌عبارت‌دیگر، غربی‌ها علاوه بر نفوذ سیاسی و اقتصادی در ایران، بر بُعد اجتماعی- فرهنگی نیز بسیار تأثیرگذار بودند. اعزام محصل به اروپا، ایجاد مدارس جدید، ایجاد مدارس اروپایی سه عامل اصلی پیدایش آموزش و پرورش نوین در ایران بود؛ و پدیده دیگر فرهنگی عصر قاجار که موجب تغییر افکار و رفتار اجتماعی ایرانیان شد، ورود مطبوعات به عرصه‌ی فرهنگ جامعه بود که بعدها یکی از عوامل اصلی تغییر پوشاک ایرانیان شد.

دوره پایانی حکومت قاجار، دورانی سرشار از فراز و نشیب‌های سیاسی و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آید. انقلاب مشروطه و اندیشه محوری، تجدد و ترقی‌خواهی پیشروان مشروطیت بسیاری از سنت‌ها و عقاید پیشین را کمرنگ کرد. در این میان پوشاک نیز به‌عنوان بخشی از فرهنگ جامعه، دستخوش تغییرات زیادی شد؛ و به سمت الگوهای اروپایی رفت (مبینی و اسدی، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۹). اما پس از سلسله قاجار، رضاشاه نیز پروژه نوسازی اجتماعی- فرهنگی ایران را در زمینه اعزام محصل به اروپا، ایجاد مدارس و دانشگاه و تغییر پوشاک ادامه داد و برای ایجاد تغییرات اساسی و پر سرعت به شیوه غربی، به فکر دگرگونی ظاهری افراد جامعه افتاد

زیرا متحول شدن لباس تحت لوای متحدالشکلی یعنی همسویی با تغییرات انقلاب فرهنگی به سبک غربی را ارمغان می‌آورد و به همین منظور این انجام را از ساختار بالای جامعه یعنی خود، خانواده و کارکنان دولت آغاز نمود و در نهایت کل جامعه را در بر گرفت.

ویژگی‌های پوشاک ایرانیان در دوره قاجار

ویژگی پوشاک ایرانیان دوره قاجار ریشه در اعتقادات مذهبی افراد بود تا جایی که ممنوعیت تجار و بازرگانان از پوشیدن لباس قرمز رنگ و همچنین دکمه‌های طلا و نقره روی قبا‌های خود و استعمال لباس‌های ابریشمی به‌وسیله مسلمانان تحریم شده و آنان همچنین از پوشیدن تن‌پوش‌هایی که با ابریشم و کتان مخلوط شده نیز تا اندازه‌ای دوری می‌کردند اما با این اوصاف مقدار زیادی از این نوع پارچه از گجرات وارد ایران می‌شد و همچنین در تزیین لباس‌ها تنها پادشاه بود که لباس‌های جواهرنشان به تن می‌کرد (کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۱۹۰-۱۹۱).

یکی از منابع معتبر برای آشنایی با تاریخ اجتماعی ایران در دوره قاجار «سفرنامه دکتر پولاک» است. «پولاک» درباره البسه ایرانیان در این دوره اطلاعات ارزنده‌ای ارائه داده و درخصوص دو ویژگی مهم لباس که در نزد مردان ایرانی، اهمیت بسیار داشت، می‌نویسد نخستین آن: «دامن قبا آن‌چنان گشاد است که در جلو روی هم می‌آید و قسمت‌های مخفی بدن را می‌پوشاند. هر لباسی که دارای این خصیصه نباشد جلف به نظر می‌آید. به همین دلیل فراک اروپائی باعث ناراحتی ایرانیان است» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۷). دومین ویژگی گشادی و راحتی آستین لباس بود که برای ایرانیان دو حسن داشت که هم از لحاظ مذهبی و هم از لحاظ بهداشتی مهم جلوه می‌کرد، چنان‌که «پولاک» به این دو مورد در سفرنامه‌اش، اشاره می‌کند:

۱. آستین باید چنان باشد که بتوان آن را برای وضو به سهولت بالا زد.
۲. پیراهن در زیر بغل و محل خمیدگی دست چاک دارد و این برای تسهیل حرکت مفاصل است و دیگر اینکه عرق آزادانه به خارج جریان یابد و از طرف دیگر از آن جهت که از پاره شدن و استهلاک پیراهن جلوگیری به عمل آید (همان: ۱۰۹).

لباس کارکنان دولت از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان قاجار

در ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه تکه‌های لباس عبارت بود از: عبا، قبا، لباده و شلوار گشاد از پارچه‌ی دویت سیاه یا قهوه‌ای برای عموم و شال نخ‌ی و پشمی‌ای که بنا بر گرمی و سردی هوا بر روی قبا به دور کمر می‌پیچیدند و با کلاه‌های نمدی و پوستی و عمامه (شیرشکری) که بر سر

داشتند و به پا کردن گیوه یا اروسی (کفش) چرمی بی‌بندی البسه خود را تکمیل می‌کردند (شهری، ۱۳۶۹: ۲/۴۸۴).

در حالی که آرام‌آرام طرحی نو در البسه مردان حکومتی قاجار آغاز می‌شد، درباریان و کارکنان دولت تاحدودی بنا به به رأی شاه و نظارت ملازمانش، لزوماً دستی به سر و ظاهر خود کشیدند. در بین این افراد متنفذ درباری، مشیرالدوله بود که بر تغییرات ظاهری افراد حکومتی، تلاش کرد و «مستوفی» درباره اصلاحات وی (مشیرالدوله) در جهت تغییر لباس کارکنان این چنین نقل می‌کند: «مشیرالدوله در تمام سال ۱۲۸۹ با فعالیتی بی‌نظیر در اصلاح دواير دولتی کوشید ... و در لباس مستوفی‌ها و سایر کشوری‌ها هم تغییراتی داد. تنبان‌های گشاد قصب سورمه‌ای به شلوارهای تنگ ماهوت و قبا‌های راسته به کمر چین و کلاه‌های دراز به کلاه یک چارکی مبدل شد. کلجه منسوخ و بجای آن سرداری یخه عربی چین‌دار معمول گشت» (مستوفی، ۱۳۸۸: ۱/۱۱۸).

با مقایسه‌ای کوتاه از تحول پوشاک مردان حکومتی دوره ناصرالدین شاه و فرزندش، همان‌طور که در «تصویر ۱» قابل مشاهده است، لباس مستوفیان و کارکنان دربار دوره ناصرالدین‌شاه پیش از تغییرات؛ قبا، جبه‌های بلند ساده و منقوش به تن دارند و بلندی پوشش آنان تا روی کفش‌ها می‌رسید و با مقایسه «تصویر ۲»، مظفرالدین میرزا فرزند ناصرالدین‌شاه که به همراه چند تن از صاحب‌منصبان دیده می‌شود، سه نوع کلاه بر سر دارند؛ نوع اول بلند با تاخوردگی در وسط، نوع دوم بلند و به شکل مخروط ناقص، نوع سوم کلاهی کوتاه است. لباس آنان در قسمت بالاتنه تنگ و دامن آن با کمر چین‌دار که در جلو با دکمه بسته می‌شد و در همین تصویر تن‌پوش‌ها با سه نوع یقه: یقه ساده، یقه‌شکاری، یقه دوتکه (انگلیسی) دیده می‌شوند و قد بالاپوش افراد تا زیر زانوان کوتاه و همگی شلواری راسته بر پا دارند. با مقایسه‌ای مختصر می‌توان گفت که کلاه، یقه، شلوار و همچنین جنس پارچه و کم شدن تکه‌های پوشش، در برش و نحوه دوخت تغییراتی داده شده و در مجموع لباس جمع و جور و از نظر نشست و برخاست و حرکت راحت‌تر به نظر می‌رسد (در تصاویر الف، ب، ج، د، ذ - انواع کلاه، یقه اوایل و اواسط دوره قاجار مشاهده می‌شود).

در اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه، در نوع، جنس، رنگ، طول و اندازه‌ی کلاه تغییراتی اعمال شد که تا اواخر قاجار ادامه تغییرات به نحوی بود که کلاه فکلی‌ها، کلاه از فرنگ برگشته‌ها، کلاه اداری‌ها و میرزاها در چهار انگشت بلندی و لبه و طاقی از بالا به داخل فرو رفته تهیه می‌گردید که از جنس ماهوت مشکی و جز رنگ سیاه برای آن رنگ دیگر مورد پسند واقع نشد و

این در حالی بود که کلاه‌های نمدی و پوستی در رنگ‌های قهوه‌ای سیر و روشن و طوسی فراهم می‌شد (شهری، ۱۳۶۹: ۲/۴۶۴).

آنچه که مد نظر ماست علل و عوامل تغییر پوشاک کارکنان حکومتی در اواسط دوره قاجار است که به گفته گروهی از پژوهشگران، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تحول در شیوه تولید صنعت نساجی و پوشاک، سفرهای خارجی ناصرالدین‌شاه بود. ناصرالدین‌شاه سه بار به خارج از کشور (روسیه و اروپا) سفر کرد (۱۲۹۰ ق/ ۱۸۷۳ م، ۱۲۹۵ ق/ ۱۸۷۸ م و ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۸۹ م). پس از بازگشت از این سفرها بر آن شد تا اصلاحاتی به سبک اروپائیان در سازمان دولت و دربار خود ایجاد کند. وزارتخانه‌های تازه‌ای از جمله وزارت کشور، دادگستری، فرهنگ، پست و تلگراف را در دستگاه دولت پدید آورد و درباریان را وادار کرد تا به شیوه اروپائیان لباس بپوشند (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۶۸). آنچه مسلم است از اواسط دوره قاجار، از دلایل تغییرات در طرح لباس، شیوه زندگی و نوع فعالیت افراد بود که در محیط‌های تجاری و صنعتی مشغول به کار می‌شدند. به همین منظور نیازمند پوششی بودند که در موقع انجام کار، دست و پاگیر آنان نشود.

به طور کلی عواملی که در اجرای تحول پوشاک مردان در ادارات دولتی و خصوصی (شرکت‌های بیگانه) دوره ناصرالدین‌شاه نقش داشت، سه عامل بود که عبارتند از:

- یکی از افراد مؤثر زمینه‌ساز تغییر تدریجی لباس درباریان، خود شاه (ناصرالدین‌شاه) بود؛ زیرا در زمان سلطنت او که اوج ارتباط با کشورهای اروپایی بود، لباس برخی از کارکنان دولت دستخوش تغییر گردید.
- عامل دوم بر اساس گفته یکی از مورخان آن دوره، فعالیت کمپانی رژی بود که در ایجاد هماهنگی لباس کارکنان نقش داشت: «کمپانی مزبور هم اداره بسیار مفصل و عالی در مرکز و ادارات مفصله در تمام بلاد ایران را تشکیل داد و هم به قدر یک وزارتخانه بلکه به اندازه دولت ایران اجزاء و اتباع و مستخدمین اجیر کرد و برای هر یک از آنها مطابق شغلشان لباس اختراع نمود، مثلاً لباس منشی با لباس دفتردار تفاوت داشت. تمام این لباس‌ها با قماش‌های بسیار اعلی از قبیل ماهوت انگلیسی و فاستونی خیلی ممتاز دوخته می‌شد» (مجد الاسلام کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۵).
- از سوی دیگر عامل سوم کارکنان و سفرای ایرانی ساکن خارج از کشور بودند که بنا به الزامات کارشان برای حضور در مکان‌های خاص و مراسمات در رنگ، جنس و طرح لباس خود تغییراتی دادند. به طور مثال وقتی هیئت ایرانی در انگلستان برای افتتاح راه آهن دعوت شده بودند به سبب اوضاع ظاهری از حیث لباس و غیره در نظر آن‌ها عجیب به نظر آمد و باعث تعجب و خنده شد (راوندی، ۱۳۸۲: ۵۳۳/۲).

و یا نمونه‌های دیگر تغییر لباس کارکنان سفارت‌خانه‌های ایرانی مقیم خارج در منابع آمده است از جمله:

• «سپه‌الدوله بجنوردی» به علت تغییر لباس ایرانیان حاضر در وین، اشاره می‌کند: «منزل جناب قوام‌السلطنه رفتیم. جناب قوام‌السلطنه اصرار زیادی داشتند جهت تغییر لباس. چون اهالی این شهر (وین) کمتر لباس معمولی ایران را دیده‌اند، وقتی که به گردش بیرون می‌شدیم مرد و زن تماشای لباس ما را می‌نمودند و انگشت‌نما واقع شده بودیم. بنا به مصلحت ایشان لباس ایرانی را تغییر به لباس فرنگی دادیم» (بجنوردی، ۱۳۷۴: ۱۷۰).

• اما بعضی اوقات بدون آگاهی به علم پوشش، ناهماهنگی در لباس کارکنان اعزامی پس از تأثیرپذیری از غربیان دیده می‌شد زیرا هنوز در آن هنگام دسته‌بندی البسه از نظر شرایط مکانی انجام نشده بود، چنان‌که «عین‌السلطنه» از گوناگونی لباس شب میهمانی گروهی از ایرانیان در بلژیک می‌گوید: «در مهمانی سفارت بلژیک ... هر کدام یک‌جور لباس پوشیده بودند. لباس رسمی و غیررسمی هیچ‌کدام معین نیست. مثلاً اعتماد نظام لباس رسمی مشکی و آبی پوشیده بود، نظم‌الدوله سفید و قرمز، من و عمادالسلطنه سرداری مشکی شلوار آبی کلاه قزاقی با شیر و خورشید. یک نشان هم زده بودیم. هیچ رسمی نپوشیده بودیم. مهندس الممالک لباس «سویل»^۱ پوشیده بود و حال آنکه اهل نظام است. محتشم‌السلطنه پسر صدیق‌الملک که از اجزاء وزارت خارجه است لباس تمام مفتول دوز پوشیده بود. میرزا زین‌العابدین خان مشیرالوزاره که آن‌هم جزو وزارت خارجه است لباس «سویل» پوشیده، مفتول دوز نبود. ظهیرالدوله و مشیرالدوله مثل فرنگی‌ها «فراک» پوشیده بودند. دیگران همین‌طور» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۶۵۰).

شرحی مختصر جهت آشنایی بیشتر کت فراک: کت بلند سیاه‌رنگ مردانه‌ای که تا بالای زانو می‌آمد. این لباس در قرن نوزدهم بسیار معمول بوده است. فراک لباسی با کمر تنگ یک ردیف یا دوپل یا تک دکمه که مناسب با تشریفات و مهمانی‌های رسمی، در آن تغییرات داده می‌شد (8: Steele, 1955) (تصویر ۳). زیر این کت، پیراهنی می‌پوشیدند که معمولاً یقه آن ایستاده که در جلو زائده آن، مثلثی شکل بود و به پیش از پوشیدن به‌وسیله اتو شکسته و برمی‌گشت (تصویر ۴).

^۱ (civil) کشوری، شهری، غیررسمی، غیرنظامی (عمید، همان: ۶۸۳).

• خانم «دوران» که همسر وزیر مختار انگلیس در سال‌های ۱۸۹۴-۱۹۰۰ م، در ایران بود، از حادثه دزدان و کارکنان انگلیسی بانک تهران و بی‌اهمیتی کت «فراک» در میان افراد عادی، حکایت می‌کند: «گویا وقتی که یخه‌های پیراهنش را امتحان کردند، دیدند ناراحت‌کننده است، لباس «فراک» را چیزی بی‌معنی تشخیص دادند، زیرا مثل کت‌های خودشان چین‌دار نبود» (دوران، ۱۳۴۶: ۴۰). با این شرح می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از عوامل ورود این نوع کت به ایران، کارکنان اروپایی بودند که در جهت انجام کارهای سازمانی و تجاری در ایران ساکن و یا در رفت و آمد بودند و بعدها این تن‌پوش در بین برخی از کارکنان ایرانی رایج گردید.

به تدریج این ناهماهنگی‌ها در ظاهر افراد از لحاظ لباس کم‌رنگ شد تا جایی که «عبدالله مستوفی» در مورد شیک بودن لباس کارمندان سفارت ایران در روسیه می‌نویسد: «از سپتامبر تا ماه مه، سفارت از وزرا و اعیان محل و کارمندان عالی‌رتبه وزارت خارجه روسیه و سفرا خارجه مقیم دربار پترزبورگ و کارمندان آن‌ها پنج شش دعوت نیم رسمی می‌کرد ... اسد خان یمین خاقان (اسد بهادر)، جوان خراج، در شیکی افراط می‌کرد. خیاط کارمندان سفارت، به راهنمایی او، بهترین خیاط‌های پترزبورگ بود. وقتی بعد از دو سال به لندن رفتیم، لباس ما هیچ از لباس شیک‌های لندن پست‌تر نبود» (مستوفی، ۱۳۸۸: ۲/۹۴). وی همچنین در مورد شیک بودن لباس خود در مقابل لباس وزیرمختار روس می‌نویسد: «روزی علاء السلطنه وزیر خارجه، ... دستور داد با پاکلوسکی کزل^۱ وزیرمختار روس ملاقات کنم ... حاجتی هم به تغییر لباس نداشتیم، لباس‌های دوخت هانری^۲، اول خیاط پترزبورگ را که از لباس خود وزیرمختار هم شاید شیک‌تر بود، در برداشتم» (مستوفی، ۱۳۸۸: ۲۹۴-۲/۲۹۵). به نظر می‌رسد که استفاده از مد لباس‌های خارجی به حدی در بین سفرا رایج شده بود که از تولیدات و برندهای معروف کشورهای که در آنجا مشغول به انجام وظیفه بودند را نیز خریداری می‌کردند.

در تصویر ۵، ناصرالدین‌شاه اواسط دوره سلطنتش به همراه چند تن از رجال و مقامات مملکتی است که همان لباس کمر چین با یقه سرداری و کلاه کوتاه که بر جلوی کلاه خود و یکی از رجالش نشان شیر و خورشید نصب‌شده و در مقایسه با تصویر ۶ میرزا حسن خان مشیرالدوله با لباسی کاملاً غربی و کفش چرمی به پا و تنها کلاه ایرانی بر سر دارد. به‌خوبی دگرگونی فرم البسه درباری و کارکنان از اواسط تا پایان دوره ناصرالدین‌شاه را نشان می‌دهد.

^۱ Pakloski Kozal

^۲ Henry

از دیگر ملزومات لباس درباریان، کمر بند بود که دکتر «ویلز» آن را نشان مخصوص درباری می‌خواند: «یکی از علائم مشخصه‌ای که درباریان، نظامیان و مستخدمین عالی‌رتبه دولتی را از دیگر اقدار اجتماع مشخص‌تر می‌دارد وجود کمر بند چرمی، پهن سیاه‌رنگی است که دارای قلاب کمر برنجی مخصوص ساخت روسیه می‌باشد. خود شاهزادگان و دیگر درباریان صاحب مقام هر یک به تناسب مقام و موقعیت خویش یک تکه سنگ قیمتی بر روی قلاب کمر بند خود دارند» (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۶۳) (تصویر ۷).

روند تغییرات در طرح و نحوه دوختن و نوع تزیینات سوزن‌دوزی و نشانه‌های لباس تشریفات صاحب‌منصبان همان‌طور که پیش می‌رفت با تحولات همراه بود تا جایی که در تکه‌های لباس، جنس، نقش پارچه و سردوشی سبکی دیگر از دوخت ارائه شد و همچنین در تزیینات، دوخت سرمه‌دوزی جای خود را به گلابتون‌دوزی و ملیله‌دوزی داد. طبق گزارشی در کتاب «گزارش ایران از یک سیاح روس» که نویسنده آن ناشناس است، می‌خوانیم:

«یکی از صاحب‌منصبان وزارت امور خارجه که لباسش غرق گلابتون بود (و من از ملاحظه آن لباس، لباس وزرای خودمان را به خاطر آوردم) ما را استقبال و ملاقات نمود» (مؤلف گمنام، ۱۳۶۳: ۴۴). در این زمینه با استناد به تصاویر درمی‌یابیم که کاربرد لباس‌های گلابتون‌دوزی شده بر روی پارچه ساده، از اواسط دوره ناصرالدین‌شاه الگوبرداری از لباس وزرای غربی بوده و سردوشی نیز مدتی زینت‌بخش سرشانه‌های درباریان شده بود (تصاویر ۸).

از جمله افراد دربار، فراش‌ها بودند. «مستوفی» درباره این گروه افزون بر معنای آن به نوع فعالیت و لباس آنان در کتاب خود می‌پردازد. فراش صیغه مبالغه فرش کردن است. فراش نماینده قهر سلطنت استبدادی بود که گذشته از جاروب کردن و آبیایی و چادر زدن، تمام اجرائیات دولتی از نامه‌رسانی و وصول مالیات گرفته تا اعدام، تماماً بر عهده فراش‌ها محول بود. این فراشان رؤسای داشتند که به اسم دهباشی و پنجاه‌باشی و یوزباشی و نایب فراش‌خانه موسوم بودند. در مورد لباس آنها می‌نویسد: «سرداری یخه حسنی یا یخه عربی ماهوت قرمز و شلواری از پارچه دبیت یا ماهوت سیاه بود و کلاه تخم‌مرغی داشتند که در سمت راست بالای آن کلمه فراش را از نقره بریده نصب کرده بودند. دهباشی‌ها و پنجاه‌باشی‌ها و یوزباشی‌ها هم این سه کلمه را به کلاه گوشه خود داشتند» (مستوفی، ۱۳۸۸: ۴۰۵-۴۰۴/۱).

شاطرها نیز در دربار، افراد حاضر برای انجام امر شاه و پیاده‌ای که در سواری‌ها، جلو اسب شاه در حرکت بودند. لباس آنها سرداری از ماهوت سرخ و شلواری با پاتابه تا زانو و تاجی کنگره‌دار بود که با گل‌های پشمی سرخ و سبز گل‌دوزی کرده بودند (مستوفی، همان: ۱/۴۱۳). یکی از خارجی‌ان جهانگرد قرن نوزدهم به نام «کارلا سرنا» نیز در وصف شاطرها، به رنگ و

تزیینات لباس شاطرها می‌پردازد: «کلاه از پارچه پرنرنگ پولک‌دار، مجهز به چیزهای شیشه‌ای و تزییناتی از حلبی‌های مشبک بر سر می‌گذارند کفش‌های روباز و یک ردنکت قرمزرنج، با شال سفیدی که به دور کمر بسته می‌شد» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۱۱۶). با تطبیق دو تصویر (۹ و ۱۰) پی می‌بریم که لباس شاطران دوره قاجار، از لباس شاطران دربار سلطنتی آلمان، اقتباس و با طرح لباس ایرانی تلفیق شده است. با مشاهده دو تصویر می‌بینیم که لباس در برخی جزئیات (برش لباس، کلاه، شلوار و کفش) با هم متفاوت هستند.

لباس کارکنان دولت در دوره رضاشاه

در اواخر قرن سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی تلاش‌های شایانی جهت تغییر پوشش از سوی مقامات حکومتی صورت گرفت. مخصوصاً پس از انقلاب مشروطه که بسیاری از مردان به خارج سفر کرده بودند، پوشش اروپایی و پوشیدن کت و شلوار، پاپیون و کراوات را پذیرا شدند. بیشتر این مردان، در پایتخت و تعدادی از شهرهای بزرگ در شمال و شمال غربی ایران زندگی می‌کردند و گروه بزرگی را تشکیل نمی‌دادند (رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

عقب نماندن از زندگی مدرن بحثی بود که هر چه به جلو پیش رفت وسعت دامنه آن زیادتر می‌شد که به نظر محققان خارجی در زمینه تغییر و چگونگی تحول لباس، همین امر صدق نیز می‌کند:

- لباس افراد در قرن نوزدهم به نقل از ویلسون: «لباس‌های متحدالشکل قرن نوزدهم نشانه‌ی دیگری از تلاش بوروکراتیک برای تعدیل گمنامی در شهرهای بزرگ بودند. این لباس نماد پیشرفت شرایط مدرن در زندگی افراد به حساب می‌آمدند؛ و به نشانه‌هایی به صورت کت و شلوارهای کاملاً خاص هر شغل تبدیل شدند، اما حتی لباس‌های متحدالشکل نیز به‌واقع تابع مد بود» (ویلسون، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۸).
- جمعی از پژوهشگران علوم سیاسی درباره تغییر فرهنگ بومی سه تن از رهبران غیرغربی با اعتقاد به نوسازی می‌نویسند: «در دسته‌بندی نحوه پذیرش نوسازی توسط رهبران جوامع غیر غربی، مسائلی را در پیش روی جوامع نوظهور به وجود آورد که در این سؤال باید جستجو کرد، آیا جوامع غیر غربی برای نوسازی باید فرهنگ بومی خویش را ترک گویند و عناصر اصلی تمدن غرب را پذیرا شوند؟ هر چند رهبران چنین جوامعی این اقدام را ضروری پنداشته‌اند. از میان آنان پترکبیر، مصطفی کمال آتاتورک و رضاشاه می‌خواستند کشورهای خود را نوسازی کنند و معتقد بودند برای انجام آن می‌باید به فرهنگ غربی روی آورد و تا آنجا پیش رفتند که کلاه‌فرنگی جایگزین کلاه

سنتی گردد. آنان در عمل کشورهای از درون گسیخته‌ای آفریدند که به هویت فرهنگی خویش اطمینانی نداشت و فرهنگ غربی وارداتی هم کمک شایانی به ادامه‌ی نوسازی آنان نکرد» (برنارد لوئیس و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۳۵).

پس از افول سلسله قاجار، در ۲۹ بهمن سال ۱۳۰۱ ش/ ۱۸ فوریه ۱۹۲۳ م. (سند «الف»، ش ۲۴۰۰۱۷۴۰۹) در مجلس لایحه‌ای بر لزوم اجرای استفاده از مصنوعات و منسوجات وطنی و مجازات متخلفان تصویب شد که همه کارکنان لشکری و کشوری را ملزم به پوشیدن دوخت ایران در طول ساعات کار می‌کرد. این دستورالعمل در اول میزان سال ۱۳۰۲ ش/ ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۳ م. بنا بر حکم وزیر جنگ سردار سپه (رضاشاه آینده) شامل پرسنل نظامی نیز می‌شد. سرانجام پس از به قدرت رسیدن رضاشاه، در همان سال‌های نخست سلطنتش هنوز افرادی بودند که همان پوشاک دوره‌ی قاجار را بر تن می‌کردند تا آن حد که در نظر رضاشاه، این وضع پوشش سبب ایجاد تفاوت و اختلاف بین افراد بومی، مناطق و اقشار جامعه روستایی و شهری می‌گردید. این روند ادامه داشت تا طرح یکنواخت نمودن لباس به مجلس رفت و بین نمایندگان به شور گذاشته شد. در اینجا خلاصه‌ای از مهم‌ترین نظرات موافق و مخالف نمایندگان مجلس در زمینه‌ی وحدت لباس در ۴ دی‌ماه ۱۳۰۷ ش/ ۱۲ رجب ۱۳۴۷ ق، با موضوع لباس کارکنان دولت آورده شده است:

- آقای «یاسایی» نماینده مردم دامغان- سمنان، با دو فوریت و اساس این مسئله موافقت و نظرش را با ذکر اصلاحیه‌ای اعلام می‌کند: «کلیه مستخدمین چه در موقع اشتغال به کار اداری و چه در غیر آن مورد مکلف هستند که لباس مخصوص خود را بپوشند و لباس اداری‌شان به حال سابق باشد والا جرم می‌شود.»

نماینده دیگری به نام «اعتبار» از بروجرد، یکی از دلایل تأخیر در پذیرش موضوع پوشش جدید، به شک و دو دلی برخی افراد برای تصمیم تغییر لباس، اشاره می‌کند: «در ولایات جشن‌ها گرفتند و تغییر لباس دادند ولی یک عده همین‌طور مانده‌اند و مرددند که چه کار کنند و بالاخره یک ملاحظاتی و یک رو درباستگی‌ها هست که برای آنها یک تکلیفی معین نیست واقعاً این سفری که بنده مخصوص در این قسمت کردم می‌دیدم که یک عده از آقایان میل دارند بردارند. ... مردد است که ببیند آن یکی

چه می‌کند بر می‌دارد که او هم بردارد این قانون را که ما گذراندیم این تکلیفات برداشته می‌شود...»^۱

اما گذشته از آراء نمایندگان در کتاب «دختری از ایران» خاطرات ستاره فرمانفرمایان به یکی از اقدامات مهم اجتماعی رضاشاه در راستای غرب‌گرایی و نوسازی اشاره می‌کند که همان طرح لباس رسمی کارکنان دولت و تغییر پوشاک مردم ایران به سبک کشورهای اروپایی بود: «وی (رضاشاه) در امر اروپایی کردن ایران، مذهب و روحانیت متولی آن راه، سد راه خود می‌دید، مصمم شد نفوذ مذهب و قدرت روحانیون را از میان بردارد این باور او، برگرفته از برنامه‌های اصلاحی کمال آتاتورک رهبر غرب‌گرای ترکیه بود که پیش از او جامعه‌ی مذهبی امپراتوری عثمانی را، به کشوری شبه مدرن و غیرمذهبی بدل کرده بود» (فرمانفرمایان، ۱۳۸۳: ۷۲).

اجرای طرح لباس متحدالشکل به جدیت دنبال می‌شد تا جایی که رئیس هر وزارتخانه دگرگونی البسه خود و کارکنانش را در حین اجراء، کتباً در معرض دید عموم می‌گذاشت و به همین منظور با آگهی نمودن در مطبوعات موضوع تغییرات طرح لباس را منتشر کرده، تا الگوی دیگر کارکنان وزارتخانه‌ها و ادارات قرار گیرد. البته در کنار موضوع ابعاد نوگرایی در طرح کلاه پهلوی و لباس به سبک غربی، «مخبر السلطنه» با عنوان ریاست وزراء، جهت حمایت از استعمال منسوجات وطنی در دوخت البسه، در ۲۳ مهرماه سال ۱۳۰۷ ش. به کلیه‌ی وزارتخانه‌ها، فرمانی بدین مضمون صادر کرد:

«با وجود قانون استعمال البسه وطنی و امر مبارک همایونی که در اجرای آن شرف صدور یافته است اعضای وزارتخانه‌ها را به استعمال لباس وطنی کمتر راغب می‌بینم. اگرچه امتعه خارجه از حیث قماش و ارزانی قیمت، طرف نسبت با متاع داخلی نیست. ... باید وزارتخانه‌ها اجزا را ... لااقل لباس کار را در وطنی قرار دهند تا تقریباً تمام کارخانه‌های داخلی به‌واسطه زیادشدن مشتری، وسعت پیدا کند» (روزنامه اطلاعات ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، ش ۱۲۷:۱۲۷). استفاده از منسوجات داخلی اما طرح، برش و دوخت لباس نظامیان و کارکنان دولت به سبک غربی انجام می‌شد (تصاویر ۱۱ و ۱۲، کارکنان دولت).

تصاویر بعدی تغییر لباس رجال و کارکنان دولت در گذر زمان ارائه شده است:

- «تصویر ۱۳»، اعضای هیئت تحریریه روزنامه ایران قبل از کودتای ۱۲۹۹ ش؛ و

^۱ مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۷، جلسه ۱۵، روز سه‌شنبه چهارم دی‌ماه ۱۳۰۷ ش. مطابق ۱۲ رجب‌المرجب ۱۳۴۷ ق، در سایت مجلس به‌طور کامل شرح گزارشات موجود است.

«تصویر ۱۴»، عباس مسعودی و چند تن از روزنامه‌نگاران روزنامه اطلاعات. با مقایسه دو تصویر به خوبی پیداست که کلاه ملی آخرین تکه پوشاک مردان در نهایت به کلاه شاپو تغییر یافت و به نظر می‌رسد که الزامی بر پوشش سر به طور مداوم دیده نمی‌شود و همچنین به منظور هماهنگی کت و شلوار، بستن کراوات آذین‌گر یقه بلوز شد و نیم‌تنه جلیقه، جزء لاینفک البسه رسمی مردان در محل کار در آمد و با پوشیدن کت‌های کوتاه و تنگ با رنگ‌های مشخص با آنچه در بخشنامه‌های اداری ذکر شده بود، ست و تکمیل گردید.

پس از تصویب تعاریف اساسنامه لباس، در بخش اجرای تشریفاتی مهمانان کشوری و دولتی، گاهی اوقات، تهیه لباس رسمی (فراک) برای برخی از کارمندان دولت، مشکلاتی را به همراه داشت. به‌طور مثال وقتی ولیعهد سوئد به همراه همسرش در دوران سلطنت رضاشاه به ایران آمد. کلیه کارمندان دولتی که ممکن بود در موقع عبور شاهزاده سوئدی و همسرش سرکارشان با آنها بیفتد مجبور به پوشیدن لباس فراک شدند که با توجه به اندک حقوق دریافتی، تهیه لباس فراک با توجه به بودجه شخصی آنان متحمل سختی شدند و در زمان اقامت و استقبال ولیعهد سوئد و همسرش در ایران، رؤسای ادارات و کارمندان دولتی مجبور شدند تا لباس‌های فراک نو یا دست‌دوم به تن کنند (دلدم، ۱۳۷۱: ۱/۲۷۵).

سرانجام رضاشاه برای نظم بخشیدن به لباس صاحب‌منصبان و مستخدمین دولتی، اساسنامه‌ای را در چند مرحله به اجرا درآورد که در اینجا به گزیده‌هایی از این دستورات در سال‌های ۱۳۰۷، ۱۳۰۹ و ۱۳۱۴ اشاره شده است:

- یکی از خبرهای مهم تیترو روزنامه اطلاعات سال ۱۳۰۷، اجبار پوشش شرکت‌کنندگان جریان گشایش پارلمان است که رضاشاه ساعت ۹ صبح برای افتتاح مجلس شورای ملی حرکت نمود، در این محفل، رؤسا دربار و نمایندگان مجلس و هیئت دولت و نمایندگان خارجه و اروپایی غیر مستخدم دولتی و صاحب‌منصبان نظام بالباس رسمی و مشکی دعوت‌شده بودند، بقیه طبقات بدون استثناء باید مطابق دعوت‌نامه با کت و شلوار و کلاه پهلوی مشکی باشند چنانچه فردی خارج از لباس فرم پوشید محترماً عذرش را می‌خواستند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۷، ش ۵۹۸: ۱).

- در سال ۱۳۰۹ از طرف کابینه ریاست وزرا به عموم وزارتخانه‌ها با موافقت وزارت خارجه اصلاحاتی در اساسنامه لباس رسمی به عمل آمد، رجوع شود به روزنامه اطلاعات (سال ۱۳۰۹، ش ۱۱۹۶، ص ۲) و سند «ب»، ش ۲۹۷۰۳۱۸۵۷، ۱۳۰۹/۵/۲۶، بخشنامه اصلاحات لباس رسمی.

- در نمونه نظامنامه و نقشه‌ی لباس تمام‌رسمی مأمورین کشوری (اسناد «ج» - ش، ۱- ۲۴۰۰۵۷۱۰، بی تاریخ) و همچنین در اعلان روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶ مرداد سال ۱۳۱۴ (تصویر «د»، ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، ش ۲۵۹: ۲۵۹)، لباس تشریفاتی اشخاص برحسب رتبه و جایگاهشان دسته‌بندی و مشخص شده بود که دستور آن به ترتیب مقام: وزرا و معاونین و کفیل‌های وزارتخانه‌ها، اعضاء دربار سلطنت و رؤسای ادارات دولتی و بلدیة و استادان دانشگاه‌ها، نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در ممالک خارجه را شامل می‌شد، جمع‌بندی متن این آگهی با مشخصات لباس‌های کارکنان در جدول زیر ارائه شده است:

| رنگ، جنس، تزیینات و تکه‌های لباس | | موارد استفاده |
|---|---|---|
| ژاکت مشکی، شلوار راه‌راه و جلیقه مشکی و یقه آهاری دولا و کراوات بلند، کلاه بلند مشکی، جوراب مشکی، کفش مشکی براق، پالتو مشکی (در تمام فصول سال) | | شرفیابی‌هایی غیررسمی روزانه |
| فراک، جلیقه سفید، یقه آهاری یک‌لای شکسته، کراوات پروانه‌ای سفید، کلاه بلند مشکی، جوراب مشکی، کفش براق و پالتوی مشکی | | شرفیابی‌هایی غیررسمی شبانه |
| ردنکت مشکی، شلوار راه‌راه، جلیقه مشکی، یقه آهاری دولا، کراوات بلند مشکی | | موارد تشییع جنازه |
| فراک یقه‌بسته، ماهوت مشکی، با ۹ دکمه شیر و خورشید طلایی در یک ردیف، ملیله‌دوزی به شکل گل سرخ، شلوار بند ماهوت مشکی با براق طلایی به عرض پنج سانتی‌متر، کلاه دو گوشه، شمشیر دسته طلایی، شل ماهوت مشکی با یقه‌برگردان، پوتین براق کش دار، دستکش سفید. | | کلیه افراد با رتبه و سمت دار |
| رنگ، جنس و تکه‌های لباس | تزیینات لباس | سمت |
| رئیس‌الوزراء یک شال گلابتون هم به کمر می‌بندند. | تمام سینه و یقه و قسمت پشت زیر یقه و سردست و دور لباس و دو دهان جیب و پشت کمر ملیله‌دوزی، براق‌دوزی دوتایی شلوار. | وزرا و سفرای کبار و ولات |
| | ملیله قسمت پشت زیر یقه. | کفیل‌های وزارتخانه‌ها و وزرای مختار |
| | ملیله قسمت پشت زیر یقه و پشت کمر را ندارد، پر کلاه سیاه، براق‌دوزی شلوار یکی است. | رؤسای ادارات، معاونین وزارتخانه‌ها، حکام درجه اول |

| | | |
|----------------------------------|---|---|
| رتبه ۹ | در پیش‌سینه و دور لباس به‌جای ملیله، یراق باریک ملیله دارند. | مانند معاونین وزارتخانه‌ها و حکام درجه اول می‌باشند. |
| رتبه ۸ | مثل رتبه ۹ با این تفاوت که یراق پیش‌سینه و دور لباس را ندارند. | |
| رتبه ۹ و ۸ و ۷ ریاست بلدیه‌ها | افراد با مشاغل مختلف حق داشتند لباس بالاترین مقام را بپوشند. | مانند سایر صاحبان رتبه‌های فوق می‌باشند. |

در دوره ناصرالدین‌شاه با تلاش‌هایی که در ایجاد تنوع کلاه صورت پذیرفت، جنس کلاه‌ها از ماهوت، پوست، نمد، مخمل و عمامه‌ها ململ و چلوار انتخاب شد. جواهرات زیاد و پرهای بادبزی جهت تزئین روی سرپوش پادشاهان، ترمه‌دوزی، قلاب‌دوزی برای متمولین و نشان شیر و خورشید جهت بزرگان به کار رفت و روی کلاه دراویش آیه‌های قرآن قلاب‌دوزی شد (عظیم زاده طهرانی و سعادت‌فر، ۱۳۹۵: ۳۲۳). پس از به سلطنت رسیدن رضاشاه کلاه‌پوستی را که روزی خود بر سر داشت کنار گذاشت و کلاه ابداعی به‌نام پهلوی را به کار برد و این طرح کلاه مکمل کت و شلوار شد که پیش از این درباره آن سخن گفته شد، پس از اندک زمانی تحولی دیگر در طرح کلاه پرسنل اداری داده شد و کلاه شاپو جایگزین و تبلیغ گردید؛ اما در رده وزرا کلاه دولبه انگلیسی بالباس رسمی ملیله‌دوزی شده آنان تکمیل یافت (تصاویر س، ش، ل).

در این قسمت طرح لباس وزرا با گواهی دو سند مصور در انتهای مقاله و تصویری که در روزنامه اطلاعات (۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، ش ۲۵۶: ۲۵۶) مورد مطالعه قرار گرفته است. هیئت دولت در سال ۱۳۱۴ ش. را نشان می‌دهد که در حیاط مجلس شورای ملی، بعد از معرفی به نمایندگان دولت عکسی به یادگار گرفته‌اند. در تصویر ۱۵، درحالی‌که وزرا کلاه پهلوی بر سر دارند لباس آنان در جلو از سرشانه تا پایین لبه جامه، با طرح برگ زیتون ملیله‌دوزی شده؛ که با ایجاد تجسم حس بصری افراد بلندقامت به نظر می‌رسند و در مقایسه با تصویر دوم یعنی تصویر ۱۶، وزرای کابینه در هنگام عرض تبریک عید مبعث در جلوی کاخ برلیان سال ۱۳۱۹ ش (همان، ش ۴۶۹: ۴۶۹)، در هنگام عرض تبریک عید مبعث در جلوی کاخ برلیان را نشان می‌دهد که پس از گذشت ۵ سال با تغییر کلاه و تزئین طرح ملیله‌دوزی به نقش گل و برگ بر روی سینه جامه تا کمر سبب شده است تا افراد با پوشیدن بالاپوشی در جلو نیم‌تنه کوتاه تا میانه شکم و دنباله‌ای در پشت (فراک) چاق‌تر و کوتاه‌تر دیده شوند. با این اوصاف چنین به نظر می‌رسد که تغییر در طرح، برش، رنگ و نقش لباس رسمی تابع مد بوده و در هر دوره‌ای با دگرگونی همراه می‌شد.

مقایسه طرح لباس کارکنان دولت دوره ناصرالدین شاه و پهلوی اول

با مطالعه منابع و مدارک دو دوره ناصرالدین شاه و رضاشاه که بیشترین تأثیر را در تغییر البسه کارکنان خود داشتند، در می‌یابیم که در هر یک از دوره‌های شاهی مدنظر مجموع علل و عواملی در تغییر و تحول پوشش کارکنان حکومتی نقش داشتند که متناسب با روند رو به جلوی پیشرفت جوامع دنیا نیاز به تغییر داشت زیرا فرهنگ‌ها در مرزها متوقف نمی‌ماند و بنا به مقتضیات هر عصری با ارتباطات دولت‌ها و ملت‌ها، لباس نیز دگرگون می‌شد. مبنی بر موضوع پژوهش در دوره ناصرالدین شاه عواملی در چگونگی نفوذپذیری البسه فرنگی بر طرح لباس کارکنان دولت تأثیر داشت که می‌توان در موارد زیر با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در این پژوهش این‌چنین خلاصه کرد:

۱. رابطه اعتقادات مذهبی و افراد جامعه.
 ۲. دوری از لباس‌های تنگ بدنما یا جلف اروپایی.
 ۳. ناهماهنگی در طرح، رنگ و جنس متناسب با لباس کارکنان.
 ۴. نقش شاه، دیپلمات‌های داخلی و خارجی بر روند تدریجی تحول پوشش کارکنان دولت.
- اما وقتی سردار سپه بر اریکه سلطنت تکیه داد بلافاصله به ادامه اقدامات وسیع تغییر لباس کارکنان پرداخت و در جهت تسریع فرنگی سازی جامعه ایرانی، با ایجاد دگرگونی لباس پرسنل ادارات، وزارتخانه‌ها فرامینی صادر کرد و برای اجرای اهداف خود از قانون کمک گرفت و قانون را ابزاری برای اعمال قدرت کرد و جدی بودن را با اجبار کردن در آمیخت. به هر حال با تفکر نوسازی اجتماعی - فرهنگی زمان آن رسیده بود تا ظاهر افراد تغییر کند، به همین دلیل انجام طرح وحدت لباس از کارکنان دولت آغاز شد. در این زمینه رضاشاه اقداماتی برای تغییر و دگرگونی لباس پرسنل حکومتی با تأسی از پوشش غربیان در نظر گرفت که عبارتند از:
۱. اجرای سبک پوشش اروپایی با پوشیدن کت و شلوار، بستن کراوات یا پاپیون.
 ۱. تصویب قانون استعمال البسه‌ی وطنی برای کارکنان دولت.
 ۲. تصویب و اجرای قانون طرح یک‌نواختی لباس.
 ۳. برپایی جشن‌های کت و شلوار و کلاه جدید در سراسر ایران.
 ۴. ممانعت از نفوذ مذهب و روحانیت در اجرای طرح لباس متحدالشکلی.
 ۵. تهیه اساسنامه طرح لباس صاحب‌منصبان و مستخدمین دولتی متناسب با رتبه و جایگاه اجتماعی.
 ۶. تغییر در شکل کلاه ایرانی به سبک غربی (کلاه پهلوی و کلاه شاپو) برای کارمندان، کلاه دولبه انگلیسی برای وزرا.

۷. تغییر نوع تزیینات روی لباس رسمی وزرا (ملیله‌دوزی).

۸. تبلیغات در روزنامه‌ها.

نتیجه‌گیری

تغییر و تحول ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران یکی از ویژگی‌های اصلی عصر ناصرالدین‌شاه بود که با گسترش روابط ایران با غرب و ورود تجدد به ایران سبب شد تا تغییرات ظاهری در برخی از ابعاد اجتماعی از جمله تغییر در نوع پوشاک جامعه پدید آید. از دوره ناصرالدین‌شاه به بعد، تغییرات قابل‌توجهی در لباس درباریان، فرنگ‌رفتگان، کارکنان دولت و افراد متمول جامعه به‌وجود آمد. سفرهای خارجی ناصرالدین‌شاه و تأسیس و گسترش وزارتخانه‌های جدید، آغازی بود تا وی (ناصرالدین‌شاه) درباریان را وادار نماید به شیوه اروپائیان لباس بپوشند؛ و مصرف پارچه‌های طرح‌دار با تنوع جنس و رنگ که در اوایل سلطنتش (ناصرالدین‌شاه) متداول بود، در اواسط ملک‌داریش به منسوجات ساده بدون نقش در رنگ‌های مشکی، خاکستری و گاه سفید محدود شود و همچنین از یک‌سو حضور فرنگیان و کارکنان آنان در شرکت‌های خصوصی و از سوی دیگر کارمندان ادارات و دیگر ساکنان شهری که طرفدار تجدد بودند طرح سنتی لباس را با سبک جدید آمیخته و از بلندی لباس و کلاه کاسته و در نتیجه لباس با گشادی متوسط را بر تن کردند. افزون بر آن پوشش مستخدمین دولت در بلاد خارجه نیاز به تغییر داشت تا فاصله شرایط فرهنگی و اجتماعی ایرانیان ساکن در فرنگ را کم کند. اقدامات شاه به‌منظور فرنگی‌مآب کردن ایران گاه به مذاق برخی از افراد جامعه ناخوشایند آمد و مقاومت‌هایی از سوی اقدشار سنتی صورت گرفت که همین امر باعث‌کننده تغییرات لباس می‌شد.

پوشاک ایرانیان در عصر مشروطه همچنان در حال تغییر بود و به‌تدریج تا پایان دوره قاجار ادامه یافت. با روی کار آمدن رضاشاه تلاش‌های جدی در جهت تغییر لباس ایرانیان از سبک سنتی به مدل غربی صورت گرفت. مهم‌ترین ویژگی عصر رضاشاه، غرب‌گرایی و نوسازی اقتدارگرایانه است. رضاشاه در امر اروپایی کردن ایران، به نوسازی اجتماعی - فرهنگی که برگرفته از برنامه‌های اصلاحی کمال آتاتورک رهبر غرب‌گرای ترکیه بود، پرداخت. وی با اجبار نمودن طرح لباس متحدالشکل سعی نمود تا ناهماهنگی‌های ظاهری البسه در جامعه ایرانی را از بین ببرد و نظمی نیز به لباس ادارات دولتی دهد. برای فرنگی‌سازی البسه ابتدا از سطوح بالا یعنی از وزرا و سپس کارمندان وزارتخانه‌ها و دیگر نهادهای دولتی آغاز نمود. در این دوره کت‌های کوتاه با شلوار نسبتاً تنگ در رنگ‌های مشکی، خاکستری و بعضاً روشن و سفید جای البسه بلند و گشاد با زمینه‌های منقوش و شاد و کلاه‌های

استوانه‌ای یا مخروطی دوره قاجار را گرفت. این تغییرات اگرچه در آغاز ناخوشایند به نظر می‌رسید اما به تدریج با بخشنامه‌های دولتی جنبه رسمی و سپس عرفی به خود گرفت. در مجموع، تلاش برای تغییر و هماهنگی سازی طرح لباس در سازمان‌ها و ادارات ایران از اواسط دوره ناصری آغاز و تا پایان دوره رضاشاه ادامه یافت. لباس رسمی اگر چه روش و مشخصه‌ای بود تا به وسیله آن رتبه‌ی افراد شاغل در هر وزارتخانه و اداره‌ای به وضوح آشکار گردد. در عین حال بخش کوچکی از پروژه تغییر لباس ایرانیان به سبک غربی بود که می‌توان آن را در راستای فرایند نوسازی اجتماعی اقتدارگرا تفسیر نمود. وجه تمایز روش اجرای پروژه لباس رسمی کارکنان دولت در دوره ناصرالدین‌شاه و رضاشاه این بود که ناصرالدین‌شاه درصدد تغییر تدریجی لباس کارکنان دولت بود اما وقتی با مقاومت اقشار سنتی جامعه مواجه شد از اجرای کامل و اجباری آن اجتناب ورزید. در حالی که رضاشاه، طرح تغییر لباس رسمی کارکنان دولت و دیگر اقشار جامعه را با اعمال قدرت و زور به اجرا درآورد. به عبارت دیگر، اهمیت به هماهنگی در طرح، رنگ، سن، موقعیت و راحتی لباس را توأم با تغییر اجباری لباس سنتی به لباس فرنگی می‌دانست و از اجرای عمومی و اجباری آن ابایی نداشت.

منابع و مأخذ

- بجنوردی، سهام الدوله، (۱۳۷۴). **سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی**، مصحح: قدرت الله روشنی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۷). **موانع توسعه سیاسی در ایران**، ج ۶، تهران: گام نو.
- پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸). **سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»**، نوشته: کیکاووس جهاننداری، ج ۱، تهران: خوارزمی.
- دلدم، اسکندر، (۱۳۷۱). **زندگی پر ماجرای رضاشاه**، ج ۱، چ ۲، تهران: گلفام.
- دوراند، ای. آر، (۱۳۴۶). **سفرنامه دوراند**، ترجمه‌ی علی محمد ساکی، چ ۱، خرم‌آباد: آفتاب.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۸۲). **تاریخ اجتماعی ایران**، ج ۲، چ ۲، تهران: نگاه.
- رنج دوست، شبنم، (۱۳۸۷). **تاریخ لباس ایران**، چ ۱، تهران: جمال هنر.
- سرنه، کارلا، (۱۳۶۲). **سفرنامه مادام کارلا سرنه، آدمها و آیینها در ایران**، ترجمه: علی اصغر سعیدی، چ ۱، مشهد: زوار.
- شریعت‌پناهی، سید حسام‌الدین، (۱۳۷۲). **اروپایی‌ها و لباس ایرانیان**، چ ۱، تهران: قومس.
- شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۸۷). **ایران در دوره سلطنت قاجار**، چ ۱، تهران: بهزاد.

شهری (شهری باف)، جعفر، (۱۳۶۹). **تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم**، ج ۲، چ ۲، تهران: رسا.

ضیاءپور، جلیل، (۱۳۴۹). **پوشاک ایرانیان از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره‌ی شاهنشاهی پهلوی**، بی‌چا، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

عظیم‌زاده طهرانی، طاهره و سعادت‌فر، فرزانه، (۱۳۹۵). **دگرگونی رنگ، طرح و تزیین پوشاک ایرانیان (از ابتدا تا پایان روزگار قاجار)**، چ ۱، مشهد: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد و نگاران سبز.

عمید، حسن، (۱۳۸۹). **فرهنگ فارسی (جیبی)**، چ ۱، تهران: راه رشد.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، (۱۳۷۴). **روزنامه خاطرات عین‌السلطنه**، مصحح: مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۱، چ ۱، تهران: اساطیر.

فرمانفرمایان، ستاره؛ مانکر، دونا، (۱۳۸۳). **دختری از ایران (خاطرات خانم ستاره فرمانفرمایان)**، مترجم: مریم اعلایی، چ ۱، تهران: کارنگ.

کمپانی، نسیم، (۱۳۹۱). **فرهنگ اصطلاحات پارچه و پوشاک در ایران (از دوران باستان تا آغاز عصر پهلوی)**، چ ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. گراتوسکی، ا. ا. و دیگران، (۱۳۹۵). **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، چ ۱، ترجمه: کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.

کروسینسکی، تادوز یودا و دیگر سفرنامه نویسان، (۱۳۶۹). **۵۵ سفرنامه**، ترجمه: مه‌راب امیری، چ ۱، تهران: وحید.

لوئیس، برنارد؛ آرمسترانگ، کارن؛ ژینگولکی، دیلاو و دیگران، (۱۳۸۲). **برخورد تمدن‌ها (چالش سنت و مدرنیته)**، مترجم: غلامحسین میرزا صالح، چ ۱، تهران: مازیار.

مبینی، مهتاب؛ اسدی، اعظم، (۱۳۹۶). **سیری در مد و لباس دوره قاجار**، چ ۱، تهران: مرکب سپید و مرکب هند.

مجد الاسلام کرمانی، احمد، (۲۵۳۶). **تاریخ انحطاط مجلس**، مصحح: محمود خلیل‌پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۸). **شرح زندگانی من**، ج ۱ و ۲، چ ۶، تهران: زوار.

مؤلف گمنام، (۱۳۶۳). **گزارش ایران از یک سیاح روس**، ترجمه‌ی سید عبدالله، به اهتمام محمدرضا نصیری، چ ۱، تهران: نقش جهان.

ویلز، (۱۳۶۸). **ایران در یک قرن پیش**، ترجمه: غلامحسین قراگوزلو، چ ۱، تهران: اقبال.
ویلسون، الیزابت، (۱۳۹۴). **مد و مدرنیته**، مترجم: ناصرالدین غراب، چ ۱، تهران: علمی و فرهنگی.

مقالات

جوادی یگانه، محمدرضا، کشفی، سیدعلی، (زمستان ۱۳۸۶). «نظام نشانه‌ها در پوشش»،
مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۸: ۶۲ تا ۸۷.

قاسم‌پور، داود، (دی ۱۳۸۴). «غائله متحدالشکل کردن لباس»، **زمانه**، ش ۴۰، س ۴: ۴۹-۵۲.
محمدی، منظر، سید احمدی زاویه، سید سعید، (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «سیمای مرد مدرن
(تحلیلی بر تحول لباس مردان در ایران عصر قاجار)»، **تحقیقات تاریخ اجتماعی**،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۸، ش ۱: ۱۸۱ تا ۲۰۷.
محمدی، منظر، سید احمدی زاویه، سید سعید، (۱۳۹۶). «لباس متحدالشکل: بازنمایی قدرت و
مدرنیته (دوران پهلوی اول)»، **تاریخ ایران**، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۷۵ تا ۱۰۲.

نشریات

روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۷. عصر شنبه، ۱۴ مهرماه، سال سوم، ش ۵۹۸.
روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۹. عصر سه‌شنبه، ۴ آذرماه، سال پنجم، ش ۱۱۹۶.
روزنامه اطلاعات، نمونه صفحات سال ۱۳۱۴. ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان (cd).
روزنامه اطلاعات، نمونه صفحات سال ۱۳۱۹. ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان (cd).
روزنامه اطلاعات، ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان (cd).

منابع الکترونیکی

کتابخانه مجلس، مشروح مذاکرات مجلس. <http://www.ical.ir>
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مجموع تصاویر). <http://www.iichs.ir>
سایت پینترست <https://www.pinterest.com>
موزه پوشاک کاخ سعدآباد

منابع خارجی

Steele, Valerie, (1955). *Encyclopedia of Clothing and Fashion*, Volume 3,
New York, Thomson.

تصاویر



تصویر ۱- ش (۲۰۳۳-۱۲۴ ط)، رجال و درباریان دوره قاجار - مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۲- ش (۲۵۸۸-۱ع)، مظفرالدین میرزا و عده‌ای از صاحب‌منصبان درباری - مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

در تصاویر زیر الف، ب، ج، د، ذ - چند نوع کلاه و یقه دوره قاجار دیده می‌شود:



الف) دو نوع کلاه بلند در اوایل دوره قاجار،



ب) شال کلاه با لباس رسمی اوایل دوره قاجار



د) کلاه پوست و یقه سرداری،
اواسط قاجار - مؤسسه
مطالعات تاریخ معاصر ایران

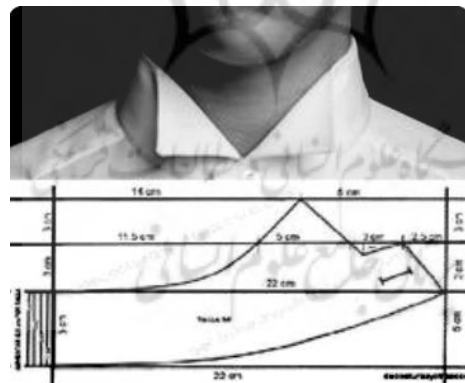
ج) کلاه فینه و یقه دو تکه
(انگلیسی)، اواسط قاجار -
مؤسسه مطالعات تاریخ
معاصر ایران

ذ) کلاه پوست با نشان، یقه
سرداری و کلابتون دوزی روی
آن، اواسط قاجار - مؤسسه
مطالعات تاریخ معاصر ایران



Frock coats and top hats, ca. 1916. The men depicted in this poster are wearing frock coats and suits designed by the American Century Clothing Company. Various styles are shown here, including double- and single-breasted "Prince Albert," as well as one- and two-button frock coats. © HISTORICAL PICTURE ARCHIVE/CORBIS. REPRODUCED BY PERMISSION.

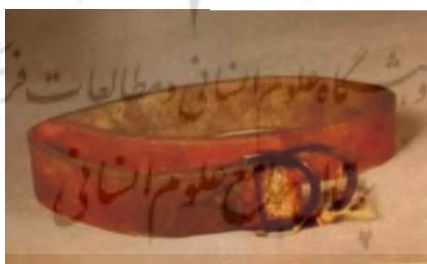
تصویر ۳- کت فراک (Steele, volume 3, p 8)



تصویر ۴- یقه مناسب کت فراک - سایت Pinterest



تصویر ۵- (۱،۲۵۵۳ ع) ناصرالدین شاه در میان عده‌ای از رجال و درباریان - مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
تصویر ۶- ش (۱،۴۸۸۳ ع)، میرزا حسن - خان مشیرالدوله در لباس اروپایی - مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۷ - کمر بند مخصوص - موزه پوشاک کاخ سعدآباد



تصویر ۶۸- ش (۴۵۷۲-۴ ع) محمدابراهیم پدر میرزا علی اصغر خان امین السلطان-
مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۹- شاطران دوره قاجار، سال ۱۸۸۰ م./۱۲۵۰ ش



تصویر ۱۰- شاطران دربار سلطنتی آلمان^۱ (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)



^۱ steale, Encyclopedia of Clothing and Fashion, vo 3, p 371.

تصویر ۱۱- تیمورتاش و جمعی از رجال ایران با کلاه پهلوی- مؤسسه
مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۱۲- جمعی از کارکنان ادارات- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی



مهرمند: نگرشی بر تحول لباس رسمی کارکنان دولت در دوره ناصرالدین شاه قاجار و رضاشاه پهلوی / ۱۰۱

تصویر ۱۳- ش (۴,۴۰۴ ع) هیئت تحریریه روزنامه ایران - مؤسسه مطالعات
تاریخ معاصر ایران



تصویر ۱۴- ش (۱۱۱,۵۸۰ م) روزنامه نگاران روزنامه اطلاعات - مؤسسه مطالعات
تاریخ معاصر ایران



س) کلاه پهلوی کارکنان دولت



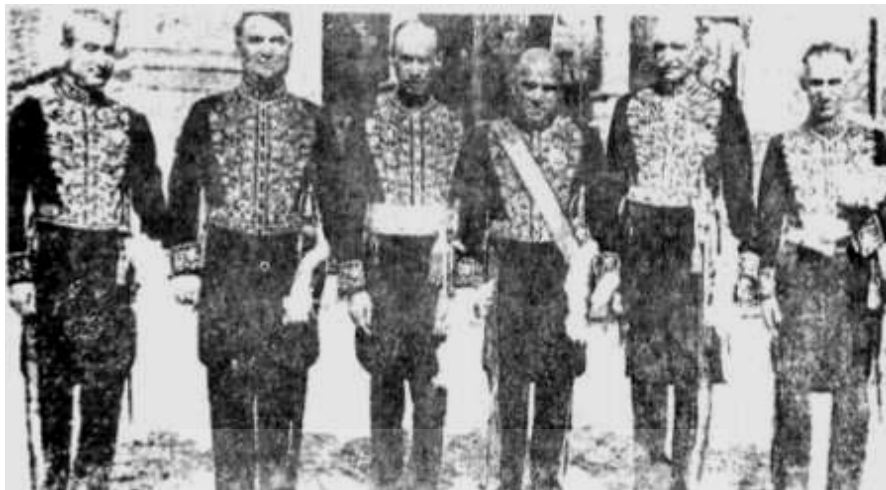
ش) کلاه شاپو کارکنان دولت
ل) کلاه دو لبه وزرا
تصاویر از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۱۵ - سال ۱۳۱۴، (روزنامه اطلاعات)

پرتال جامع علوم انسانی

مهرمند: نگارشی بر تحول لباس رسمی کارکنان دولت در دوره ناصرالدین شاه قاجار و رضاشاه پهلوی/ ۱۰۳



تصویر ۱۶- سال ۱۳۱۹، وزرا با کت فراک و کلاه دو لبه (روزنامه اطلاعات)



سند «الف»- ش (۲۴۰۰۱۷۴۰۹)، قانون استعمال البسه ملی و وطنی - سازمان اسناد ملی



پرتال جامع علوم انسانی

سند «ب» - ش ۲۹۷۰۳۱۸۵۷، ۱۳۰۹/۵/۲۶، بخشنامه اصلاحات لباس رسمی - سازمان

اسناد ملی

مهرمند: نگرشی بر تحول لباس رسمی کارکنان دولت در دوره ناصرالدین شاه قاجار و رضاشاه پهلوی / ۱۰۵



مجموعه سند «ج»، ش (۱-۲۴۰۰۰۵۷۱۰)، نظامنامه و نقشه‌ی لباس تمام رسمی
مأمورین (۲ برگ) - سازمان اسناد ملی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پوشیدن لباس رسمی

۱۶ مرداد - بر طبق اطلاعی که از دستور تشریفاتی که تصویب آن را سابقاً با اطلاع رسانیم تحصیل نموده است لباس تمام رسمی انتظامی ذیل وزراء و معاونین و کابینه‌های وزارتخانه‌ها، امضاء، ممبران سلطنت و روسای ادارات دولتی و بلندی و استادان دانشگاه‌ها نمایندگان سیاسی و قضایی ایران در مسالک خارجه از رتبه آنتانه گی بی‌الا

عبارت خواهد بود از ترازک پنه بسته ماعوت مشکي با ۹ تکه شپرو خورشید طلایي در یک رتبه با ملیه دوزی بشکل گل سرخ طلایي پند ماعوت مشکي با برقی کلاه دو گوشه بردار

شمشیر مسه طلایي راست و پاریک نعل ماعوت مشکي پنه برگردان برتن برقی کش دار دستکش سفید

لباس تمام رسمی وزراء و سفرای کبار و ولای تمام سینه و پنه و قسمت پشت زیر پنه و سر دست و دور لباس و در دهان جیب و پشت کمر ملیه خواهد داشت. بر کلاه سفید خواهد بود و برقی شلوار موناستنه. رئیس الوزراء یک شال کلاچون هم بکمر مینهد

لباس کتلهای مستقل وزارتخانه‌ها و وزرای مختار مثل لباس وزراء است. استواء ملیه قسمت پشت زیر پنه

لباس روسای درجه اول مرمبار شاهنشاهی مثل لباس کتلهای مستقل وزارتخانه‌ها است

لباس روسای ادارات مستقل که جزو هیئت وزراء هستند و معاونین وزارتخانه‌ها و حکام درجه اول مثل لباس وزراء است یا این تفاوت که

ملیه قسمت پشت زیر پنه و پشت کمر را ندارد و بر کلاه سیاه است و برقی شلوار یکی است

صاحبان رتبه ۹ و مستشارهای سفارت و ژنرال قسولها در پیش سینه و دور لباس بجای ملیه برقی پاریک ملیه دارند و در پنه مختصات لباس مانند معاونین وزارتخانه‌ها و حکام درجه اول میباشند.

لباس صاحبان رتبه هشت و نواب اول و دوم سفارتها و قسولها مثل لباس صاحبان رتبه ۹ با این تفاوت که برقی پیش سینه و دور لباس را ندارند. لباس صاحبان رتبه ۸ و ۷ که در بلده‌ها مقام ریاست اداره را دارا باشند مانند سایر صاحبان رتبه‌های فوق میباشند کسانی که در اوقات مختلف مشاغل مختلف داشته‌اند حق دارند لباس بالاترین مقامی را که حائز شده‌اند بپوشند.

در شرایطی هائیکه لباس تمام رسمی ضرورت نداشته باشند و یا در مورد انتظامی که لباس تمام رسمی ندارند لباس عبارت خواهد بود از ژاکت مشکي شلوار راه راه و جلیقه مشکي و پنه آهاری دولا و کرارت بلند که رنگ آن زنده نباشد و کلاه بلند مشکي و جوراب مشکي و کفش برقی و پاتو مشکي (در تمام فصول سال)

در روز و فراق جلیقه سفید و پنه آهاری یک لای شکسته و کرارت پروانه‌ای سفید و کلاه بلند مشکي و جوراب مشکي و کفش برقی و پاتوی مشکي در دعوت‌های شبانه

استعمال رنگت مشکي یا شلوار راه راه و جلیقه مشکي و پنه آهاری دولا و کرارت بلند مشکي منحصرأ در موارد تنبیه جنازه مجاز است

تصویر «د» - روزنامه اطلاعات، ش ۲۵۹ (تغییرات لباس بر اساس رتبه کارکنان

پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی
دولت)
پرتال جامع علوم انسانی

An Overview of the Transformation of the Official Clothing of Government Personnel of the Nasser al-Din Shah and Reza Shah Periods

Fariba Mehrmand, Ali Akbar Khedrizadeh,

Abstract

The expansion of Iran and West relations was one of the prominent features of the Qajar and Pahlavi periods Which led to the familiarity of Iranians with Western culture and civilization, and this led to relatively large social changes, including changes in the clothing of some sections of society, especially the uniform of government employees. Based on this, the main purpose of the paper is to review the developments in the official dress of Naser al-Din Shah government staff and the Reza Shah period. Now, the question arises, what difference has there been between the design and the manner in which the work of the state employees during the period of Naser- al-Din Shah was during the period of Reza Shah? The hypothesis of the article is that with the efforts of Shah Qajar and Pahlavi I to change the cover, the official dress of government employees changed in terms of rank, position, social communication and in terms of design and how it was implemented. Nevertheless, the research method in this paper is based on the description and adaptation of historical data and the results of this research indicate the process of westernizing influence on the cost of Naser al- Dinshah's administrative staff and the escalation of modernity on the development of state-owned personnel clothing with the authoritarian method of Reza Shah.

Key words: Nasser al-Din Shah, Reza Shah, Modernization, Westernization, Official dress of state employees.